

پیام‌های تسلیت سران قوا برای درگذشت پدر شهید سرلشکر موسوی

سران سه قوه و جمعی از مقامات کشوری و لشکری در پیام‌های جداگانه‌ای درگذشت پدر شهید والامقام امیر سپهبد سیدعبد‌الرحیم موسوی، رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را تسلیت گفتند.

رئیس جمهور در پیام تسلیت درگذشت مرحوم حاج سیداحمد موسوی تصریح کرد: آن مرحوم، که پس از هشت ماه تحمل داغ فرزند شهیدش به او پیوست، در تمام سال‌های عمر پربکرشت در کنار مردم و در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. دکتر مسعود پزشکیان افزود: او با تربیت فرزندی که جان خود را در راه عزت و امنیت ایران اسلامی نثار کرد، مصداق این آیه شریفه است: **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلٌ ضَلَّ دَعْوَاهُمَا غَاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای**، رئیس قوه قضائیه هم در پیام خود نوشت: درگذشت سیداحمد موسوی، پدر شهید والامقام سیدعبد‌الرحیم موسوی و از انقلابیون و معتمدین خوش سابقه قم را خدمت خاندان معظم موسوی و مردم سلحشور و انقلابی قم، تسلیت می‌گویم. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و علو درجات برای ایشان مسألت می‌کنم و امیدوارم که حسنات ناشی از تربیت فرزندان صالح در نامه عمل آن مرحوم ثبت شود.

دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی هم در پیامی ضمن تسلیت درگذشت پدر شهید موسوی رئیس فقید ستاد کل نیروهای مسلح گفت: این مبارز انقلابی و از بازماندگان نهضت شهید نواب صفوی با صرف عمر خود در خدمت به بسط کلمه حق و عدالت و با تربیت فرزند رشیدی چون شهید موسوی دین خود را به اسلام و ایران عزیز ادا کرد و در آستانه سالروز شهادت حضرت صدیقه طاهره(س) چهره در نقاب خاک کشید. فرماندهان ارتش، سپاه و ستاد کل نیروهای مسلح و همین‌طور وزیر دفاع و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم با صدور پیام‌هایی درگذشت این مجاهد نستوه را به خانواده و ملت ایران تسلیت گفتند.



پیام قالیباف به معترضان سراسر دنیا :

اجازه ندهید حاکمان اعتراضات شما را منحرف کنند

در آستانه موج جدید اعتراضات در کشورهای مختلف دنیا، رئیس مجلس شورای اسلامی، با انتشار پیامی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس خاطرنشان کرد: سناریوی حاکمان در واکنش به اعتراضات امروز مردم دنیا این است: جهت و هدف اعتراضات مردم علیه حاکمان فاسد و جنگ‌افروز را به مردم علیه مردم (افقی) تغییر دهند و سپس شما را ملامت و سرزنش کنند! دکتر محمدباقر قالیباف افزود: حقیقت و پیام اصلی مردم در واکنش به افشاکاری‌های پرونده اپستین، جنایات عزه، جنگ ایران و فساد سیستمی است که همگی ناشی از عملکرد یک جریان واحد در رأس قدرت جهان است.

رئیس مجلس شورای اسلامی هشدار داد: حاشیه حواس‌پرت‌کن این است: درگیری‌های ساختگی مانند «مهاجران در برابر مردم بومی». اجازه ندهید با تغییر موضوع، خود را از پاسخگویی و حسابرسی تبرئه کنند.

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین با انتشار پیامی خطاب به تصمیم‌گیران و مردم آمریکا نسبت به پیامدهای تلخ و سیاه جنگ با ایران هشدار داد. قالیباف با انتشار یک میم متناسب با فرهنگ آمریکایی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس در مورد پیامدهای مختلف جنگ با ایران خاطرنشان کرد: اگر فکر می‌کنید جنگ با ایران برای تان نفعی خواهد داشت، در اشتباه هستید چراکه این انتخاب حداقل ۱۰ پیامد تلخ برای شما به همراه خواهد آورد؛ از سقوط بازار سهام گرفته تا سقوط جت‌کنده‌ها و افزایش بدهی تا افزایش تورم و آمار سربازان کشته شده‌تان.

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین تصریح کرد: تمام پیامدها برای جامعه آمریکایی سیاه خواهد بود. شما مجبور نیستید این راه را بروید اما اگر دست به این انتخاب بزنید همه پیامدها را باید تحمل کنید. قالیباف افزود: این ماتریکس ساختگی را در هم بشکنید و از این بازی تلخ و بی‌عاقبت خارج شوید.



اعلام توقف عبور شناورهای متخلف از تنگه هرمز، پس از چند روز درگیری با نفتکش‌هایی که به گفته یک مقام آگاه نزدیک به نیروی دریایی سپاه قصد عبور غیرمجاز از این گذرگاه راهبردی را داشتند، بار دیگر نشان داد که واشنگتن برای تحمیل اراده خود بر ایران با مسأله‌ای بسیار پیچیده‌تر از یک عملیات نظامی روبه‌روست؛ مسأله‌ای که آثار آن از آب‌های خلیج فارس فراتر رفته و اکنون در بازار انرژی، معیشت خانوارهای آمریکایی و محاسبات انتخاباتی کاخ سفید نیز دیده می‌شود.

بر اساس اعلام این مقام آگاه، پس از انهدام سامانه‌های کمک‌ناوبری مورد استفاده شناورهای متخلف، اصابت سه نفتکش در روز گذشته و انهدام یک نفتکش دیگر در شب گذشته، تردد شناورهای متخلف متوقف شده است. او همچنین هشدار داده است که ازسرگیری قاچاق نفت با برخورد شدیدتر ایران مواجه خواهد شد و هرگونه مداخله مجدد نیروی هوایی آمریکا برای حمایت از این تحرکات، با پاسخ مستقیم و قاطع‌تری روبه‌رو می‌شود. این موضع‌گیری در شرایطی صورت گرفته که گزارش‌های منتشرشده در روزهای اخیر از افزایش توقف و تنبیه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز حکایت دارد. شبکه الجزیره به نقل از سپاه گزارش داده است که هفت نفتکش در یک شب هدف قرار گرفته یا بر اثر برخورد با مین آسیب دیده‌اند؛ هرچند جزئیات این گزارش به‌طور مستقل تأیید نشده است.

همزمان، بازار جهانی نفت بار دیگر به محدوده‌ای بازگشته که برای دولت ترامپ به یک هشدار اقتصادی و سیاسی جدی تبدیل شده است. نفت برنت در معاملات جمعه ۲۲ اکتبر تا بیش از ۱۱۷ دلار در هر بشکه افزایش یافت؛ بالاترین سطح از اوایل ماه می. این افزایش در حالی رخ داده که نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه نفت، ناامنی مسیرهای دریایی و گسترش دامنه درگیری‌ها همچنان بر بازار سایه انداخته است.

برای ترامپ، مسأله فقط افزایش قیمت نفت نیست. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سوم نوامبر، کمتر از دو هفته دیگر برگزار می‌شود و رئیس جمهور آمریکا اکنون باید به رأی دهندگانی پاسخ دهد که هزینه جنگ را نه در گزارش‌های نظامی پنتاگون، بلکه در قیمت بنزین، هزینه حمل‌ونقل و قبض‌های روزمره خود احساس می‌کنند. خود ترامپ نیز پذیرفته است که جنگ علیه ایران بر موقعیت انتخاباتی جمهوریخواهان تأثیر منفی گذاشته و در پاسخ به پرسشی درباره پیامدهای سیاسی آن گفته است: «جنگ هزینه‌هایی دارد که باید پرداخت شود». این اعتراف، در کنار افزایش قیمت انرژی و تشدید نااطمینانی در بازارها، تصویری از شکاف میان وعده‌های انتخاباتی ترامپ و واقعیت سیاست جنگی دولت اوترسیم می‌کند.

قمار انتخاباتی ترامپ با آتش جنگ

برای دونالد ترامپ، افزایش قیمت نفت در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای صرفاً یک مسأله اقتصادی نیست؛ این اتفاق می‌تواند به نقطه‌ضعف سیاسی دولتی تبدیل شود که با وعده بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش هزینه‌های زندگی روی کار آمده است. رئیس جمهور آمریکا نیز به‌تازگی پذیرفته که جنگ علیه ایران بر موقعیت انتخاباتی جمهوریخواهان اثر منفی گذاشته و در پاسخ به پرسشی درباره این موضوع گفته است: «جنگ هزینه‌هایی دارد که باید پرداخت شود.» این جمله، در شرایطی که هزینه‌های جنگ



به زندگی روزمره مردم منتقل شده، بیش از آن که نشانه اطمینان باشد، بیانگر دشواری کاخ سفید در مهار تبعات تصمیم‌های خود است. نتایج نظرسنجی مرکز پژوهشی پیو که هشتم اکتبر منتشر شد، نشان می‌دهد ۶۵ درصد آمریکایی‌ها از نحوه مدیریت عملیات نظامی علیه ایران توسط ترامپ ناراضی‌اند و تنها ۳۲ درصد از عملکرد او حمایت می‌کنند. همچنین ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند به‌شدت یا تا حد زیادی نگران افزایش قیمت بنزین و سوخت در نتیجه جنگ هستند. اهمیت این آمار در آن است که نگرانی درباره انرژی حتی به پایگاه جمهوریخواهان نیز رسیده و ۶۱ درصد آنان افزایش قیمت سوخت را مسأله‌ای نگران‌کننده دانسته‌اند.

نظرسنجی آسوشیتدپرس نیز نشان می‌دهد حدود هفت نفر از هر ۱۰ رأی‌دهنده معتقدند پایان دادن به جنگ با ایران باید از اولویت‌های اصلی کنگره آینده باشد؛ در مقابل، تنها حدود دو نفر از هر ۱۰ نفر خواهان قرار گرفتن حمایت از دستورکار ترامپ در اولویت‌های اصلی کنگره هستند. این ارقام نشان می‌دهد جنگ، به‌جای تبدیل شدن به نمایش قدرت مورد انتظار کاخ سفید، می‌تواند شکاف میان رئیس‌جمهور و بخشی از رأی‌دهندگان خودش را عمیق‌تر کند.

افزایش قیمت نفت به‌سرعت بر قیمت سوخت اثر می‌گذارد و از مسیر حمل‌ونقل و تولید، هزینه کالاها و خدمات را نیز بالا می‌برد. در نتیجه، خانوارهایی که پیش‌تر با وعده بهبود معیشت به ترامپ رأی داده‌اند، ممکن است اکنون هزینه سیاستی را بپردازند که نه زمان پایان آن روشن است و نه نتیجه نهایی‌اش تضمین شده. برای جمهوریخواهان، این همان نقطه خطر است: جنگی که قرار بود قدرت آمریکا را به نمایش بگذارد، می‌تواند به عاملی برای کاهش اعتماد عمومی و از دست رفتن کرسی‌های کنگره تبدیل شود.

اگر دموکرات‌ها در انتخابات سوم نوامبر کنترل مجلس نمایندگان

تاوان بازی با آتش در هرمز

تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین میدان‌های سنجش قدرت و قاطعیت ایران و ناکامی سیاست‌های کاخ سفید تبدیل شده است



یا سنا را به دست آورند، فشار بر دولت ترامپ برای پاسخگویی درباره تصمیم‌های نظامی، هزینه‌های جنگ و عملکرد مقام‌های ارشد افزایش خواهد یافت. پیت هگست، وزیر جنگ، نیز ممکن است به یکی از اهداف اصلی این فشارها تبدیل شود. طرح تحقیقات، جلسات نظارتی و حتی تلاش برای استیضاح او می‌تواند در دستورکار دموکرات‌ها قرار گیرد؛ هرچند استیضاح نه نتیجه‌ای قطعی است و نه بدون پشتوانه حقوقی و سیاسی لازم به سرانجام می‌رسد.

باین‌حال، حتی شکل‌گیری چنین روندی نیز برای دولت هزینه‌ساز خواهد بود. درگیری با کنگره می‌تواند تمرکز سیاسی کاخ سفید را کاهش دهد، عملکرد وزیر جنگ را زیر ذره‌بین ببرد و آزادی عمل دولت را در پیرونده‌های خارجی محدودتر کند. آثار این وضعیت نیز لزوماً به ایران ختم نمی‌شود و سیاست‌های آمریکا در قبال ونزوئلا، کوبا و دیگر مناطق را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در چنین شرایطی، گزارش‌های منتشرشده درباره احتمال ازسرگیری حملات چندروزه آمریکا به ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. براساس گزارشی از مجله آتلانتیک، دولت ترامپ گزینه حملات تازه به زرادخانه موشکی و پهپادی، زیرساخت‌های انرژی و تأسیسات هسته‌ای ایران را بررسی کرده است؛ باین‌حال، هنوز تصمیم نهایی دراین‌باره اعلام نشده است. در همان گزارش، درباره این فرض که فشار اقتصادی ایران را به آستانه فروپاشی رسانده و چند حمله دیگر می‌تواند تهران را وادار به عقب‌نشینی کند، تردیدهای جدی مطرح شده است. اینجاست که ایده یک جنگ سه‌روزه و تعیین‌کننده با واقعیت دشوار میدان برخورد می‌کند. جنگ را نمی‌توان با تقویم انتخاباتی یک طرف مدیریت کرد. ایران نیز ابزارها و محاسبات خود را دارد و هیچ تضمینی وجود ندارد که حملات تازه، بدون واکنش متقابل و تشدید بحران پایان یابد. اگر هدف ترامپ از بازگشت به جنگ،

تل‌آویو خواستار برچیدن کامل برنامه هسته‌ای، محدود کردن توان موشکی و قطع روابط ایران با «محور مقاومت» هستند؛ خواسته‌هایی که ایران تنها در چارچوب یک توافق جامع منطقه‌ای می‌تواند بپذیرد؛ توافقی که به اشغالگری اسرائیل پایان دهد و نظام امنیت‌جمع را برپا کند؛ و اسرائیل هرگز آن را نخواهد پذیرفت. بنابراین احتمال جنگ بر احتمال توافق می‌چربد. برخی بعید نمی‌دانند نتانیاوو برای فرار از شکست انتخاباتی و زندان، پیش از انتخابات جنگ آغاز کند تا با اعلام وضعیت اضطراری روند اتخابات را متوقف سازد اما این احتمال ضعیف است، زیرا ترامپ از بیم افزایش قیمت انرژی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای خواهان آرامش است. محتمل‌تر آن است که جنگ به پس از انتخابات آمریکا و در دوره‌گذار تشکیل دولت در اسرائیل موقوف شود. جنگ آینده، شبیه جنگ‌های پیشین نخواهد بود و می‌تواند

 یادداشت <i>حجت‌الاسلام دکتر حسین مفکر</i> ا نویسنده و پژوهشگر	
 نقش مشارکت مردمی و رسانه	
 در جهاد تبیین	
ایران در فاصله خرداد ۱۴۰۴ تا فروردین ۱۴۰۵ سه جنگ تحمیلی راپشت سر گذاشت: جنگ ۱۲ روزه، جنگ رمضان ۱۴۰۴ و جنگ ۴۰ روزه. الان باروش دیگر دامه داردامادر هر سه جنگ، آمریکا و اسرائیل از ابزار نظامی برای رسیدن به اهدافی استفاده کردند که ماهیتا سیاسی بودند: فروپاشی نظام، تسلیم کامل، یا تغییر رفتار. این اهداف محقق نشدند، اما یک نتیجه غیرمنتظره به بار آمد: میدان تعیین‌کننده از نبرد فیزیکی به نبرد ادراکی منتقل شد. امام شهید انقلاب در ۲۰ دی ۱۴۰۴ این انتقال را نام‌گذاری کردند: «امروز ما فراتر از درگیری‌های نظامی... در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم.» و «دشمن فهمید که تصرف این ملک و این خاک... با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد ... باید دل‌ها را تغییر بدهد، باید مغزها و فکرها را عوض کند.» براین اساس، ایران ناچار است همان‌گونه که در سطح نظامی «آرایش دفاعی» خود را سازمان داد، در سطح ادراکی نیز یک «آرایش» منسجم طراحی کند. این تحلیل، اجزای این آرایش را ـ مشارکت مردمی، رسانه و جهاد تبیین ـ به‌عنوان یک‌زنجریره واحد بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که نقطه شکست اصلی، نه کمبود سرمایه ادراکی، بلکه «مصرف» آن توسط روایتی است که از واقعیت فاصله می‌گیرد. بخش یکم: چارچوب مفهومی «آرایش ادراکی»	
 ۱. تعریف و منشأ	
«آرایش ادراکی» عبارت است از سازماندهی هدفمند نیروها، منابع و روایت‌ها در میدان جنگ شناختی، براساس شناخت هدف دشمن، به گونه‌ای که هر رسانه و هر کنشگر، نقش	

بازسازی اعتبار سیاسی خود باشد. افزایش قیمت انرژی و گسترش درگیری می‌تواند نتیجه‌ای کاملاً معکوس به بار آورد.

اروپا؛ متحدانی که صورتحساب جنگ را می‌پردازند

پیامدهای بحران تنگه هرمز به آمریکا محدود نمانده است. اروپا که در سال‌های گذشته برای تأمین انرژی و کاهش وابستگی به منابع روسیه به واردات گاز طبیعی مایع روی آورده، اکنون با خطر تازه‌ای روبه‌روست؛ اختلال در یکی از مسیرهای مهم انتقال انرژی در کنار کاهش ذخایر گازی در آستانه زمستان.

فاتح بیرویل، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی، هشدار داده است که ذخایر گاز اروپا پایین‌تر از میانگین‌های تاریخی قرار دارد و حتی اگر آرامش در خلیج فارس فوراً برقرار شود، آثار بحران می‌تواند در ماه‌های آینده ادامه یابد. به گفته او، زمستانی سرد ممکن است افزایش بیشتر قیمت گاز طبیعی را به دنبال داشته باشد. پیش از آغاز جنگ، نزدیک به یک‌دهم گاز طبیعی مایع وارداتی اروپا از تنگه هرمز عبور می‌کرد؛ اختلال در این مسیر، دسترسی خریداران را دشوارتر کرده و هزینه تأمین انرژی را افزایش داده است.

برای کشورهای اروپایی، مسأله تنها گران‌تر شدن واردات نیست. افزایش هزینه انرژی می‌تواند تولید صنایع را پرهزینه‌تر کند، قدرت خرید خانوارها را کاهش دهد و دولت‌ها را برای حمایت از شهروندان تحت فشار قرار دهد. اگر بحران تا زمستان ادامه پیدا کند، دولت‌های اروپایی ناچار خواهند شد میان تأمین انرژی، مهار هزینه‌های عمومی و حفظ رقابت‌پذیری صنایع توازن برقرار کنند.

در چنین شرایطی، همراهی با سیاست‌های جنگی واشنگتن دیگر صرفاً یک انتخاب دیپلماتیک نیست؛ تصمیمی است که می‌تواند هزینه مستقیم اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای همراه آمریکا داشته باشد.

این وضعیت یک تناقض مهم را آشکار می‌کند؛ واشنگتن برای تحمیل فشار بر ایران، سیاست نظامی و اقتصادی خود را دنبال می‌کند، اما پیامدهای آن به متحدانی منتقل می‌شود که نه کنترل کاملی بر روند جنگ دارند و نه می‌توانند هزینه‌های آن را از اقتصاد خود جدا کنند. البته همه کشورهای اروپایی به یک اندازه در عملیات نظامی مشارکت نداشته‌اند و تمام مشکلات انرژی اروپا نیز تنها به بحران هرمز مربوط نیست؛ باین‌حال، اختلال در این گذرگاه راهبردی نشان داده است که امنیت انرژی تا چه اندازه به ثبات منطقه وابسته است.

تنگه هرمز در این میان به نقطه‌ای تعیین‌کننده در موازنه قدرت

تبدیل شده است. اهمیت آن فقط به حجم نفت و گاز عبوری مربوط نمی‌شود؛ مسأله این است که امنیت جریان انرژی را نمی‌توان صرفاً

با اعزام ناو و اعلام برتری نظامی تضمین کرد. افزایش حملات به کشتی‌ها، بالا رفتن هزینه بیمه و نگرانی شرکت‌های کشتیرانی می‌تواند حتی بدون توقف کامل همه تردها، بازار را در چاربی‌نثاتی

کند. در چنین شرایطی، هر تهدید تازه با حمله جدید ممکن است هزینه‌ای فراتر از هدف اولیه خود ایجاد نماید.

برای ترامپ، تنگه هرمز اکنون هم میدان رویارویی با ایران است و هم آزمونی سیاسی در داخل آمریکا. اگر جنگ ادامه یابد، فشار بر قیمت انرژی و هزینه‌های زندگی می‌تواند به زیان جمهوریخواهان تمام شود؛ اگر دولت به حملات گسترده‌تر روی آورد، خطر گسترش درگیری و افزایش هزینه‌ها نیز وجود دارد. در مقابل، پایان دادن به جنگ بدون دستیابی به اهداف اعلام‌شده، پرسش‌هایی درباره نتیجه راهبرد نظامی واشنگتن ایجاد خواهد کرد.

به‌سرعت فراگیر شود؛ به‌ویژه پس از اعلام «اتلاف مکه» میان عربستان، ترکیه و پاکستان، از سرگیری جنگ عربستان و انصارالله، و تصمیم مصر برای تأمین نیازهای نظامی عربستان که زمینه اعزام نیرو به خارج را فراهم می‌کند. شیخ الزهر در واکنش، رهبران کشورهای عربی و اسلامی را به توقف جنگ و تشکیل کمیته‌ای برای میانجی‌گری فراخواند و مجلس مصر رأی‌گیری را به تعویق انداخت. در صورت حمله به ایران، پاسخ آن به پایگاه‌های آمریکادر خلیج فارس، حملات انصارالله به عربستان و بستن باب‌المندب ممکن است پاکستان، ترکیه و مصر را به جنگ بکشاند. این دقیقاً هدف اسرائیل و آمریکاست؛ کشاندن کشورهای منطقه به جنگی که به ویرانی آن و سلطه مطلق اسرائیل می‌انجامد. آیا هنوز در امت‌های عربی و اسلامی عقل رشیدی هست که از افتادن در این دام پرهیز کند؟

 یادداشت <i>حجت‌الاسلام دکتر حسین مفکر</i> ا نویسنده و پژوهشگر	
 نقش مشارکت مردمی و رسانه	
 در جهاد تبیین	
مشخصی در یک طرح کلان ایفا کند. رهبر انقلاب این مفهوم را با تشبیه به آرایش نظامی توضیح دادند: «ما در مسائل نظامی، آرایش صفوف‌مان بستگی دارد به هدف دشمن... این کار در باب تبلیغات باید انجام بگیرد. آرایش تبلیغاتی بایستی به سمتی برود که دشمن درست همان سمت را هدف قرار داده.»	
 ۱.۲. منطبق راهبردی	
تحلیل منتشرشده در KHAMENEI.IR با عنوان «جنگی که بود، جنگی که هست» (۱۴۰۴/۱۱/۰۵) تأیید می‌کند که دشمن از «امکان تصرف نظامی» عبور کرده و بر «تغییر ذهن، ادراک و نظام معنایی جامعه» متمرکز شده است؛ در این چارچوب «رسانه دیگر ابزار پشتیبان نیست، بلکه خود میدان نبرد است.» بنابراین «آرایش ادراکی» نه یک افزودنی، بلکه لایه چهارم معماری بقاست: دفاع موزاییکی در سطح نظامی، جبهه‌های چندگانه در سطح ژئوپلیتیکی، تاب‌آوری اقتصادی در سطح معیشتی، و آرایش ادراکی در سطح شناختی. بخش دوم: مشارکت مردمی. تولید سرمایه ادراکی	
 ۱.۲.۱. داده‌های مستند: از واکنش» به «آیین مستمر»	
برخلاف تصور رایج که تجمعات مردمی را واکنشی کوتاه‌مدت به شهادت رهبر می‌بیند، داده‌های مستند نشان می‌دهد که این حضور به یک آیین مستمر و نهادینه‌شده تبدیل شده است. یک پژوهش دانشگاهی با رویکرد مردم‌نگارانه که داده‌های آن از طریق «حضور مستمر در میدان و محلات تهران (بیش از ۲۰۰ شب)» گردآوری شده، این تجمعات را «آیین خودجوش سوگ حماسی» توصیف می‌کند که در آن «تروما نه به‌فراموشی‌انزوا ی فردی، بلکه به بازتولید معنا، همبستگی جمعی و خودآگاهی تاریخی» انجامیده	
 ۱.۲.۱. تعریف و منشأ	
«آرایش ادراکی» عبارت است از سازماندهی هدفمند نیروها، منابع و روایت‌ها در میدان جنگ شناختی، براساس شناخت هدف دشمن، به گونه‌ای که هر رسانه و هر کنشگر، نقش	



متن کامل